

بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران

مقصود فراستخواه^۱

چکیده:

دسترسی به ادگیری در سطح عالی، بخشی از حقوق شهروندان برای دانستن به ویژه در اقتصاد دانش و جامعه یادگیرنده است. نشانگرهای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی از شکاف عمیق میان وضع موجود کشور ما با جوامع توسعه‌افته^۱ موفق از حیث روند توسعه حکایت می‌کند. این در حالی است که جهت‌گیری برنامه چهارم به افزایش نرخ نام‌نویسی ناخالص در آموزش عالی، از یک سو مستلزم چالش‌ها و ریاضت سختی برای تأمین منابع و ظرفیت‌سازی جدید و از سوی دیگر در بایست هدف‌گزینی‌ها و فعالیت‌های بلند کیفی است تا رشد کمی به نتایج معکوس منجر نشود. در همین راستا، ضرورت‌هایی همچون تنوع منابع مالی، توسعه زیرساخت‌های لازم برای یادگیری از راه دور و الکترونیکی، توسعه کیفیت نظام سنجش و پذیرش، کیفیت منابع انسانی و هیأت علمی، نهادینه شدن ارزشیابی و اعتبارسنجی، رقابتی شدن آموزش عالی، تعامل سه جانبه دانشگاه، بنگاه و دولت و ضرورت‌های دیگری از این قبیل به میان می‌آید.

واژگان کلیدی: کالای آموزش عالی، شاخص‌های دسترسی، آزمون فاصله، کمیت دسترسی، کیفیت دسترسی، خط‌مشی‌ها.

۱- استادیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

مقدمه و بیان مسأله

«دانایی» چه به عنوان یکی از حقوق بشر، (حق شهروندان برای دانستن)^۱ در جهت خودشکوفایی فردی و انسانی و چه به عنوان پیش شرط اساسی برای توسعه، یکی از چالش‌های تعیین‌کننده در مسیر جاری و آتی کشورهای در حال توسعه در جهان معاصر است. مشروعیت دولت‌های ملی، منوط به پاسخ‌گویی آن‌ها به «حق دانستن شهروندان» و نیز تسهیلگری آن‌ها نسبت به «توسعه دانش بنیاد» است و تنها از این طریق است که امکان بهره‌وری در سرمایه‌های انسانی، ایجاد ارزش افزوده ملی با استفاده از دانش و برآمدن از رقابت‌های رو به ازدیاد جهانی نیز میسر می‌شود.

در این راستا، امروزه، آموزش عالی نخبه‌گرا^۲ به آموزش عالی فراگیر^۳ تحول یافته است و توسعه «جامعه یادگیرنده»^۴ به گسترش کمی و ارتقای کیفی توأمان «دسترسی به یادگیری در سطح عالی»^۵ موکول شده است. به ویژه که تحولات ساختاری مربوط به زندگی، مبتنی بر دانش و ظهور اقتصاد دانش در مسیری پیش می‌رود که فناوری اطلاعات و سیستم‌های نوآوری و ایجاد جریان مؤثر دانایی میان افراد، شرکت‌ها، سازمان‌ها و کشورها به عنوان نیاز پایه و اساسی، روز به روز هرچه بیشتر به کم و کیف دسترسی شهروندان به یادگیری در سطح عالی موکول می‌شود.

نشانه‌های کمی دسترسی به آموزش عالی در ایران از شکاف موجود میان این جامعه با محیط پیشرو جهانی حکایت می‌کند. به ویژه که مطابق برآوردهای انجام‌گرفته جمعیت گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال در که در سال ۱۳۷۵ برابر با ۲۰/۵٪ کل جمعیت (۱۲/۳ میلیون نفر) بود در سال ۱۳۸۵ به ۲۵٪؛ یعنی، ۱۷/۴ میلیون نفر افزایش خواهد یافت (طایی ۱۳۸۰)؛ هم‌چنین گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال در سال ۱۳۸۰ برابر با ۳۳٪ کل جمعیت بود که در سال ۱۳۷۸ به ۳۴/۴٪ بالغ خواهد شد. هرچند که بعد از آن سیر کاهش خواهد داشت (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ۱۳۸۲) تعداد داوطلبان بالفعل آموزش عالی در سال ۱۳۸۸ معادل ۸/۲۵۱/۰۰۰ نفر برآورد شده است (قارون ۱۳۸۰) این در حالی است که جمعیت بالقوه متقاضی آموزش عالی در سال ۱۳۹۰، معادل ۱۱ میلیون نفر خواهد بود (طایی و وحیدی، ۱۳۸۱) گذشته از ابعاد

- 1- Right to Know
- 2- Elit H. E
- 3- Mass H.E
- 4_ Mass H.E Learning Society
- 5_ Access to Higher Learning

کمی‌وقتی نوبت به نشانگرهای کیفی دسترسی به آموزش عالی می‌رسد، فاصله ایران با استانداردهای جهانی به مراتب بیشتر و نگران‌کننده‌تر، خود را آشکار می‌سازد. بنا بر این وضع کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران در سطح ملی، ابعاد «مسأله‌شناختی»^۱ به خود گرفته است. توسعه همه‌جانبه اقتصادی اجتماعی فرهنگی و سیاسی کشور با توسعه علمی و فناوری گره خورده‌اند و این، مستلزم توسعه آموزشی و از جمله گسترش کمی و ارتقای کیفی آموزش عالی است. در چشم‌انداز بلندمدتی که در آستانه تدوین برنامه چهارم توسعه برای سال‌های آینده کشور تهیه شده است، یکی از محورهای اساسی چشم‌انداز، «توسعه مبتنی بر دانایی» تعیین شده است که به نوبه خود مستلزم آموزش مادام‌العمر و در دسترس همگان، فرصت‌های برابر آموزشی (آموزش برای همه)، تعمیق کیفیت آموزش‌های پایه و توسعه سرمایه انسانی با افزایش پوشش آموزش عالی و ایجاد مهارت‌های پایه و قابلیت‌های کانونی و «یادگیری چگونه آموختن»^۲ است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۲).

بدین ترتیب دسترسی به آموزش عالی هم در سطح کمی و هم به ویژه در سطح کیفی، مدتی است که به یک مسأله ملی تبدیل شده است که حل آن، مستلزم رویکردی علمی و پژوهشی به منظور تولید و توسعه راهبردها و خط‌مشی‌ها و فعالیت‌های مورد نیاز در این راستاست.

۲. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش در سطح نظری و مفهوم‌شناسی (تحلیل ابعاد مفهومی) از روش مطالعه کتابخانه‌ای و برای تعیین نشانگرهای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی از روش مطالعه اسنادی^۳ ساختن پرسش‌نامه برای نظرسنجی از خبرگان و متخصصان موضوع استفاده شده است. برای شناخت وضع موجود دسترسی به آموزش عالی، روش بررسی اسناد و مدارک و گزارش‌های آماری و الگوهای توصیفی^۴ به کار رفته است. ترسیم وضع مطلوب نیز با استفاده از نظریات و استانداردهای به دست آمده از روش‌های یادشده در سطور قبل به علاوه روش تطبیقی^۵ و مقایسه‌ای وضعیت ایران با چندین کشور جهان و انجام مطالعه به محک زنده^۶ صورت گرفته

- 1_ Problematic
- 2_ Learning How to Learn
- 3_ Documentary Study
- 4_ Descriptive
- 4_ Comparative Method
- 6_ Benchmarking

است. از روش تفسیر انتقادی^۱، تحلیل محتوا^۲ و تحلیل ثانوی اطلاعات^۳ برای تحلیل وضعیت دسترسی به آموزش عالی در ایران استفاده و در پایان خط‌مشی‌های لازم برای کاهش فاصله وضع موجود با وضع مطلوب به عنوان نتایج پژوهش و تحلیل، پیشنهاد شده است.

۳. پیشینه نظری

مفهوم دسترسی به آموزش عالی در مباحث نظری با روش «تحلیل دو وجهی^۴» توسعه داده شده است. تحلیل دو وجهی مبتنی بر پرسش‌هایی از این قبیل است که آیا آموزش عالی، سرمایه است یا هزینه؟ حق است یا امتیاز؟ موقوف به انتشار طبیعی است یا عدالت باز توزیعی؟ در مرحلهٔ نخبه‌گراست یا همگانی؟ کالایی عمومی است یا خصوصی؟ از نوع تقاضاست یا نیاز؟ بر مبنای مفروضات نظری اتخاذ شدهٔ ما، آموزش عالی، قابل تقلیل به سطح هزینه نیست و ابعاد سرمایه‌ای دارد. مطابق نظریهٔ سرمایهٔ انسانی (از دههٔ ۶۰ و ۷۰ میلادی)، آموزش عالی در تابع تولید و GNP سهم دارد (راجرز و راجلین، ۱۳۷۰) و قابلیت‌های تولیدی انسان را بهبود و ارتقا می‌بخشد (فریدمن، ۱۳۶۸). قدر مسلم، این است که آموزش عالی به شرط وجود عوامل دیگر در رشد اقتصادی و توسعه، نقش دارد (بلاگ، ۱۹۸۵ هیکس، ۱۳۸۰)؛ علاوه بر این، دسترسی به آموزش عالی، ظرفیت‌های کسب مطلوبیت را افزایش می‌دهد و منافع غیر بازاری فراوانی دارد (مک ماهون، ۱۳۸۰). نظریهٔ دیگری که پس از نظریهٔ سرمایهٔ انسانی در دههٔ ۹۰ به میان آمد، نظریهٔ «سرنده» بود که بر اساس روایت و نسخهٔ تعدیل شدهٔ آن، آموزش عالی به ملاکی برای انتخاب نیروی کار از سوی بنگاه تبدیل گشته است. (عمادزاده، ۱۳۸۱) و سرانجام بر اساس نظریه‌های موجود جامعهٔ اطلاعاتی و یادگیرنده، آموزش عالی نقش پایه‌ای در اقتصاد دانش پیدا کرده است. (لاروچ و همکاران، ۱۹۹۹؛ اوای، سی، دی، ۱۹۹۶)

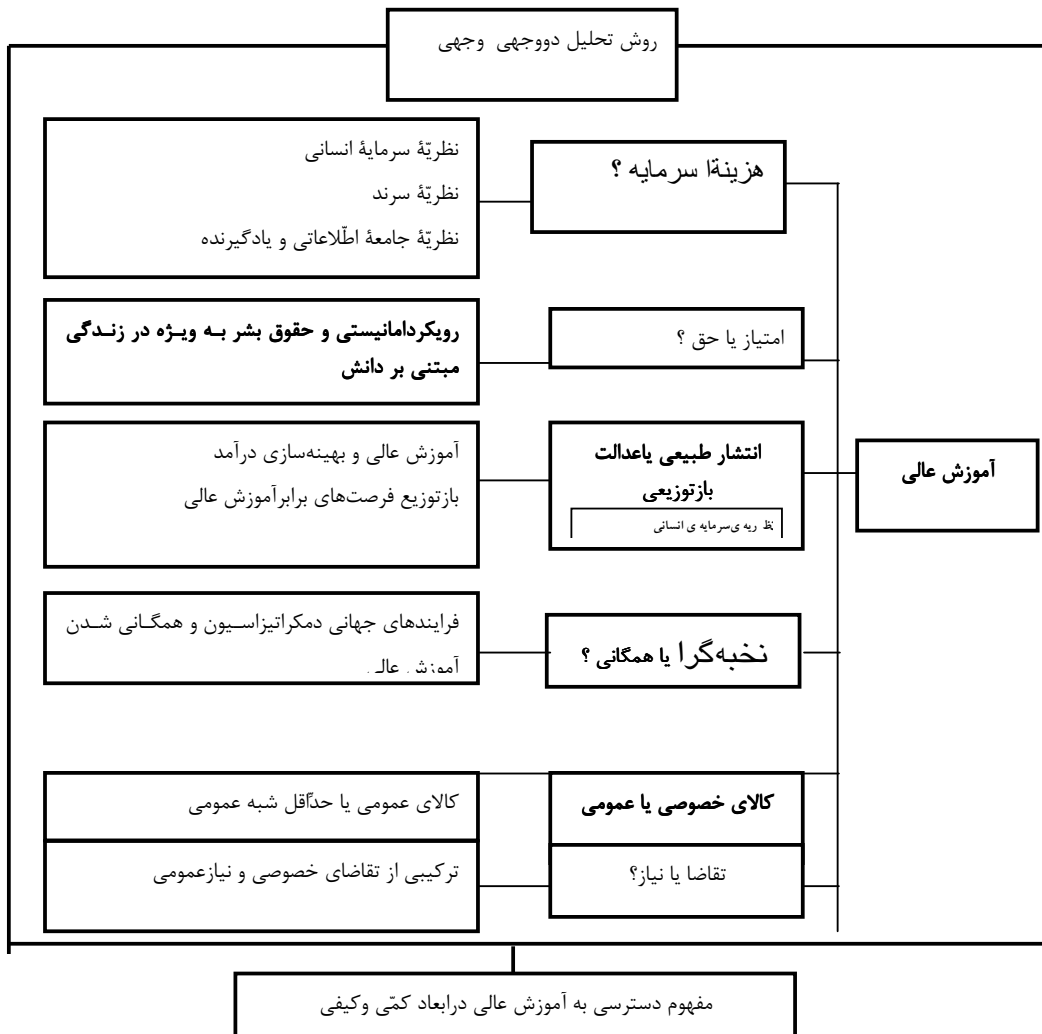
بنا بر رویکرد امانیستی و حقوق بشر، دسترسی به آموزش عالی نه یک امتیاز؛ بلکه حقی شهروندی است که شهروندان از آن طریق، حق دانستن و یادگیری خود را توسعه می‌بخشند و در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌ها به آن تصریح شده است (جانسون، ۱۳۷۸ انجل، ۱۹۹۵) این حق در عصر اطلاعات و اقتصاد دانایی، اهمیت بیشتر و حیاتی‌تر پیدا کرده است (براون، ۲۰۰۲ و وهایتون و پاکزوسکا، ۲۰۰۲)

- 1_ Critical Interpretation
- 2_ Content analysis
- 3_ Meta _ Analysis
- 4_ Binary analysis Method
- 5_ Screening

از سوی دیگر دسترسی به آموزش عالی را نمی‌توان به انتشار طبیعی^۱ موکول کرد؛ زیرا آموزش عالی، حدّ اقل تحت شرایطی می‌تواند در بهینه‌سازی توزیع درآمد نقش داشته باشد و خطّ‌مشی‌ها و فعالیت‌های باز توزیعی^۲ برای تأمین فرصت‌های برابر آموزش عالی (عدالت آموزش عالی) ضرورت پیدا می‌کنند (راجرز و راجلین، ۱۳۷۰ و آکلی، ۱۹۹۸) اساساً در طیّ چند دهه گذشته، دوره نخبه‌پرور آموزش عالی به سرآمده و فرایند همگانی شدن آموزش عالی در حال گسترش است. (اسکات، ۱۹۹۵ و اسکوتز و اسلوی، ۲۰۰۰) و سرانجام آموزش عالی در حال حاضر به کالایی عمومی با حدّ اقل شبه عمومی^۳ تبدیل شده است (جیمز، ۱۳۸۰ و می، ۲۰۰۲) به عبارت دیگر دسترسی به آموزش عالی، ترکیبی از تقاضای خصوصی و نیاز عمومی را تأمین می‌کند (کریدی، ۱۹۹۴) [نمودار ۱]

-
- 1_ Natural diffusion
 - 2_ Redistributive
 - 3_ Quasi – Public Good

چارچوب نظری دسترسی به آموزش عالی



۴. گرداوری و تحلیل داده‌ها

برای توسعه «نشانگرهای دسترسی به آموزش عالی»، ابعاد مفهومی آن بر اساس رویکرد سیستمی^۱ و به صورت سازه عملیاتی^۲ مورد تحلیل قرار گرفته است بدین صورت که در یک تحلیل سیستمی، عوامل دسترسی به آموزش عالی درون‌دادها، فرایندها، برون‌دادها و پیامدها از هم متمایز می‌شود و بر مبنای تعاریف هر یک از آن‌ها، نشانگرهایی معین می‌گردند و بدین ترتیب مجموعه شاخص‌های دسترسی به آموزش عالی به دست می‌آید، بدین قرار:

۱. عوامل سیستم

(دسترسی چه کسانی؟ چه تعداد و گروه‌هایی؟)

نمونه نشانگرها:

۱. ۱. تعداد دانشجو در هر ده هزار نفر جمعیت کشور
۲. ۱. نرخ ثبت نام ناخالص در آموزش عالی (تقسیم کل تعداد دانشجویان به تعداد جمعیت در گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ ساله)
۳. ۱. دسترسی گروه‌های سنی بالاتر از ۲۴ سال و بزرگسالان به آموزش عالی (سنین غیر سنتی و یادگیری در تمام عمر)
۴. ۱. دسترسی ساکنان در سرزمین
۵. ۱. دسترسی زنان به آموزش عالی
۶. ۱. دسترسی اتباع سایر کشورها به آموزش عالی

□ و نشانگرهای دیگری همچون:

- ✓ نرخ پذیرش از داوطلبان
- ✓ نرخ دسترسی روستاییان
- ✓ دسترسی گروه‌های کم‌درآمد
- ✓ دسترسی معلولان عضو
- ✓ دسترسی اقوام اقلیت‌ها
- ✓ دسترسی شاغلان

1_ System approach

2_ Operational Construct

۲. درونداهای سیستم

(دسترسی با چه منابع، امکانات، زمینه‌های و به چه چیزهایی)

نمونه نشانگرها

۱. ۲ نسبت دانشجو به کادر آموزشی
۲. ۲ سهم هزینه جاری آموزشی از GNP و سهم آموزش عالی از کل هزینه آموزشی
۳. ۲ تنوع منابع اعتباری آموزش عالی
۴. ۲ مشارکت بخش غیر دولتی و خصوصی در آموزش عالی
۵. ۲ تعدد و تنوع سازمانهای آموزش عالی
۶. ۲ تنوع برنامه‌ها در گروه‌های عمده رشته تحصیلی
۷. ۲ تنوع برنامه‌ها به لحاظ اوقات فراگیری (دوره‌های شبانه و...)
۸. ۲ کم و کیف آموزش عالی غیرحضوری و نیمه حضوری و فراگیر
۹. ۲ دسترسی به آموزش عالی بین المللی
۱۰. ۲ فضای کالبدی آموزش عالی
۱۱. ۲ فراوانی دوره‌های علمی کاربردی و پودمانی
۱۲. ۲ فراوانی دوره‌های تحصیلات تکمیلی

□ و سایر نشانگرها همچون

- ✓ درآمد خانوار،
- ✓ تحصیلات پدر و مادر،
- ✓ طبقه و تبار اجتماعی،
- ✓ کیفیت مدرسه،
- ✓ اطلاعات خانواده‌ها و متقاضیان نسبت به برنامه‌های آموزش عالی،
- ✓ سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی،
- ✓ ساختار بنگاه برای دسترسی شاغلان به آموزش عالی،
- ✓ محیط حقوقی و مقررات مربوط به انتقال جا به جایی، مرخصی، تغییر رشته
- ✓ هزینه سرانه آموزش عالی دولتی
- ✓ میانگین پهنای باند دسترسی برای مؤسسات آموزش عالی و برای دانشجویان
- ✓ کم و کیف آموزش عالی آزاد

۳ فرایندهای سیستم

(دسترسی به چه صورت؟)

نمونه نشانگرها

۱. ۳ نسبت مرتبی به مراتب بالاتر در هرم هیأت علمی
۲. ۳ سهم زنان در هیأت علمی
۳. ۳ نسبت دانشجو به استاد و دانشیار
۴. ۳ فراوانی مدعوین حق التدریسی
۵. ۳ کیفیت نظام سنجش آموزش کشور (کنکور و ...)
۶. ۳ کیفیت نظام پذیرش دانشگاهی
۷. ۳ کیفیت دسترسی استعدادهای درخشان به آموزش عالی

نشانگرهای دیگر همچون

- ✓ اُفت تحصیلی،
- ✓ روش تدریس و فرایندهای یاددهی یادگیری،
- ✓ الگوهای ارتباطی در دانشگاه،
- ✓ فرهنگ و ارزش‌های دانشگاهی،
- ✓ کیفیت حیات دانشجویی،
- ✓ دسترسی به آموزش عالی عمومی و شهروندی و یادگیری کیفیت زندگی،
- ✓ دسترسی به‌ادگیری‌های مهارتی،
- ✓ بهره‌وری و استفاده بهینه از منابع در دانشگاه،
- ✓ استقلال دانشگاهی،
- ✓ آزادی علمی،
- ✓ قدرت خرید و منزلت و امنیت هیأت علمی،
- ✓ رسالت‌های فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی،
- ✓ قابلیت انعطاف قوانین و مقررات آموزش عالی در انتخاب و گذراندن واحدها در مؤسسات مختلف، تحصیل همزمان و...
- ✓ مبتنی شدن آموزش بر پژوهش،
- ✓ تنوع و قابلیت انعطاف و سفارشی شدن آموزش عالی،

- ✓ تناسب آموزش عالی با نیازهای اجتماعی و دنیای کار
- ✓ تعامل میان دانشگاه با بنگاه‌های تولید، صنعت و خدمات

۴. بروندادها و پیامدهای سیستم

(دسترسی با چه نتایجی؟)

۴.۱. نرخ بیکاری دانش‌آموختگان و نیروی کار متخصص

□ نشانگرهایی دیگر همچون

- ✓ اثربخشی دسترسی به آموزش عالی از حیث اشتغال مفید و کارآفرینی دانش‌آموختگان،

✓ کم و کیف مشارکت فرهنگی و اجتماعی و سیاسی تربیت‌یافتگان آموزش عالی،
✓ سهم شدن دانش‌آموختگان در توسعه همه‌جانبه درونزا و اعتلای زندگی شهروندی و ارزش‌های انسانی، مانند انتقادپذیری، صلح دوستی و همزیستی و ...
مجموعه شاخص‌هایی که بدین طریق تهیه و تعریف شد در برگرفته ۸۰ نشانگر کمی و کیفی بود که در قالب پرسش‌نامه‌ای بر مبنای طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای در اختیار تعدادی از خبرگان، متخصصان و مدیران آموزش عالی قرار گرفت تا نظر خود را درباره درجه اهمیت نشانگرها با درج علامت در یکی از گزینه‌های طیف لیکرت، اظهار بکنند. پس از دریافت نظر پاسخ‌گویان به پرسش‌نامه‌ها (که ۷۰٪ از مجموع متخصصان و مدیران مراجعه‌شده را تشکیل می‌دادند)، با آماره‌هایی همچون میانگین و انحراف معیار، میزان وفاق یا پراکندگی نظرها درباره هریک از نشانگرها محاسبه شد.

از مجموع ۸۰ نشانگر که پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه درباره آن‌ها اظهار نظر کردند، تعداد ۴۲ مورد (۵۲٪) دارای اهمیت زیاد، تعداد ۲۲ مورد (۲۷٪) دارای اهمیت مبه وسیله و نسبی، تعداد ۱۴ مورد (۱۷٪) نه چندان مهم و تعداد ۲ مورد (۲٪) فاقد اهمیت تشخیص داده شده‌اند. فهرست کامل مجموعه شاخص‌ها و مشروح اطلاعات به دست‌آمده و تحلیل‌های انجام گرفته و تفصیل نشانگرها با قید میزان اهمیت آن‌ها از نظر متخصصان برای اندازه‌گیری ابعاد کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در گزارش تحقیق (فراستخواه، ۱۳۸۲) آمده است. (تصویر ۲)

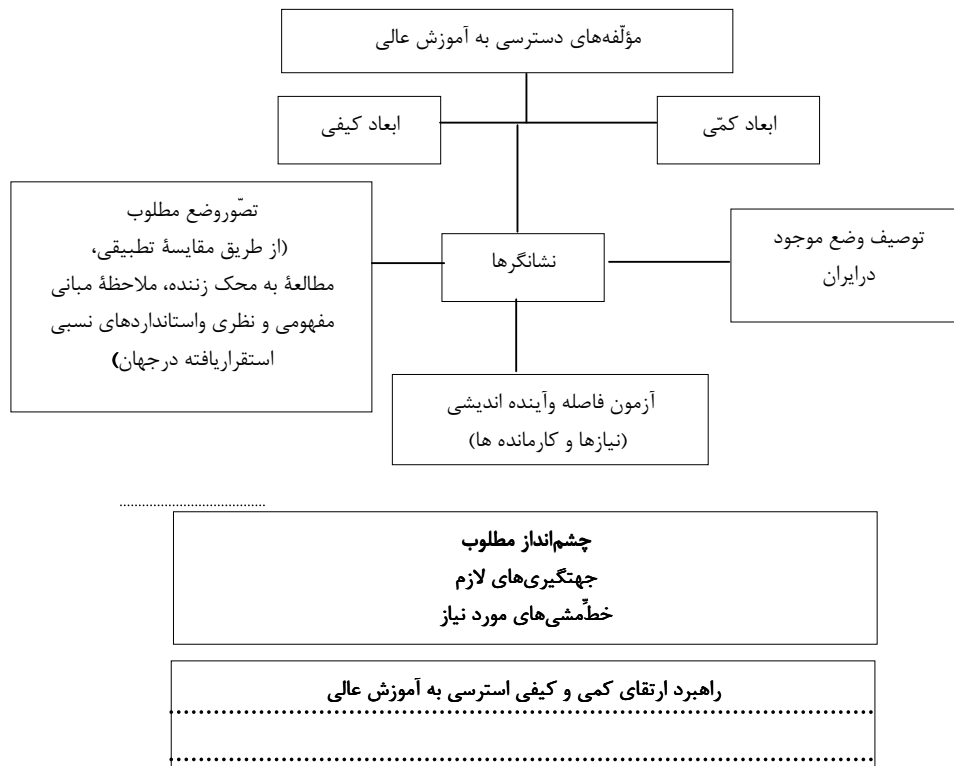
بدین ترتیب و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های دسترسی به آموزش عالی در ابعاد کمی و کیفی به نشانگرهای لازم برای اندازه‌گیری آن دست می‌یابیم و می‌توانیم با استفاده از این نشانگرها وضع

بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران

موجود دسترسی به آموزش عالی در ایران را توصیف کنیم و سپس به مقایسه تطبیقی آن با چند کشور جهان دست زنیم. این مقایسه، کمک می‌کند که وضع موجود کشور با استانداردهای نسبی استقرار یافته در جهان (در جوامع توسعه‌افتها موقت از حیث روند توسعه) سنجیده شود. این کار به علاوه آنچه از مبانی مفهومی و رویکردهای نظری پیش گفته برمی‌آید، مجموعاً به ما کمک می‌کند تا تصویری از وضع مطلوب دسترسی به آموزش عالی در کشور به لحاظ کمی و کیفی داشته باشیم و به «آزمون فاصله» (فاصله میان وضع موجود با مطلوب) بپردازیم و نیازها را برآورد کنیم. از این طریق، راهبرد ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی شامل چشم‌انداز مطلوب، جهت‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های مورد نیاز قابل طراحی است. در تصویر ۳ مدل تحلیلی لازم برای تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی نشان داده شده است.

تصویر ۳

مدل تحلیلی لازم برای تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی



۵. بحث و تحلیل مقایسه‌ای وضعیت ایران با چند کشور جهان

۱. دسترسی چه کسانی؟ چه تعداد و گروه‌هایی (عوامل سیستم)

۱.۱. تعداد دانشجو به هر ده هزار نفر جمعیت

به استناد گزارش ۲۰۰۱ یونسکو وضع ایران در سال ۱۹۹۵ با ۳۱ کشور نمونه در امریکای شمالی، اروپای مرکزی، آسیا و اقیانوسیه، اروپای مرکزی و کشورهای شوروی سابق، امریکای لاتین و کارائیب، افریقا و خاورمیانه مقایسه شده است (یونسکو، ۲۰۰۱):

میانگین ۳۱ کشور نمونه	اسرائیل	ژاپن	بلغارستان	اکراین	روسیه	کره	ژاپن	استرالیا	انگلستان	فرانسه	ترکی	فیلادلفیا	ایالات متحده	کانادا
۳۲۲	۳۴۱	۳۲۷	۲۹۴	۲۹۸	۳۰۰	۴۹۵	۳۱۲	۵۴۰	۳۱۳	۳۶۰	۴۱۶	۴۱۹	۵۳۴	۶۱۳

ایران: ۱۵۳ [این شاخص در سال ۱۳۸۰ به ۲۴۴ نفر رسیده است (گروه پژوهش‌های آماری و انفورماتیک، ۱۳۸۱)]

۲-۱. نرخ ثبت نام ناخالص در آموزش عالی (همان منابع)

میانگین ۳۱ کشور نمونه	اسرائیل	شیلی	بلغارستان	اکراین	روسیه	کره	ژاپن	استرالیا	انگلستان	فرانسه	هند	فیلادلفیا	ایالات متحده	کانادا
٪۴۵/۵	٪۴۱	٪۳۰	٪۴۱	٪۴۱	٪۴۳	٪۶۸	٪۴۱	٪۸۰	٪۵۲	٪۵۱	٪۶۲	٪۷۴	٪۸۱	٪۸۸

ایران: ٪۱۸ [این شاخص برعکس شاخص ۱-۱ در سال ۱۳۸۰ به ٪۱۴/۹ کاهش یافته است]

۳-۱. دسترسی گروه سنی غیرسنی^۱

عنوان	کشورهایی مانند ایالات متحده، کانادا و انگلستان	ایران
فراوانی دانشجویان در گروه سنی بالاتر از ۲۴ و حتی بالاتر از ۲۹ سال	٪۲۵ تا ٪۴۵	—
فراوانی دانشجویان پاره وقت	٪۴۰ تا ٪۶۰	—
فراوانی دانشجویان دوره های شبانه	—	٪۵ تا ٪۶

۱-بماخذ: فراستخواه ۱۳۸۲.

۴-۱. دسترسی ساکنان درسزمین^۱

وقتی فراوانی پذیرش درهراستان نسبت به کل کشور و نیزفراوانی تعداد دانشجو درهر استان نسبت به کل کشور را مبنا قراربدهیم ومیانگین این دو رابردرصد جمعیتی آن استان درکل کشور، تقسیم کنیم ضریب دسترسی به آموزش عالی درآن استان به دست می آید. این ضریب هرچه پایین تر از ۱ باشد نشان دهنده ی دسترسی کمتربه آموزش عالی دراستان نسبت به سهم جمعیتی آن استان است.

اصفهان	تهران	آذربایجان غربی	خراسان	زنجن	قزوین	کردستان	مازندران	گیلان	اردبیل	بستان	قزوین	خوزستان	استان
۱/۲۲	۱/۰۷	۰/۷۸	۰/۷۶	۰/۷۷	۰/۷۵	۰/۷۵	۰/۷۵	۰/۶۸	۰/۶۱	۰/۵۹	۰/۵۸	۰/۵۵	ضریب دسترسی

۵-۱. دسترسی زنان به آموزش عالی

باوجود اینکه به علت افزایش متقاضیان وداوطلبان زن نسبت به مرد برای ورود به آموزش عالی تا حد ۶۰٪ (که دلایل خاص خود رادارد) درسال ۱۳۸۱، فراوانی پذیرش زنان نسبت به کل پذیرش دانشگاهی درکل گروه‌های آزمایشی به ۶۲/۷٪ ودربرخی رشته ها حتی از ۷۰٪ و ۸۰٪ نیز گذشته است اما:

✓ درسال ۱۳۸۱ فراوانی پذیرش زنان درگروه ریاضی و فنی هنوز کمترازمردان ودرحد ۴۶٪ بوده است.

✓ درسال ۱۳۸۰ فراوانی پذیرش زنان نسبت به کل پذیرش درتحصیلات تکمیلی درمجموع آموزش عالی دولتی و غیردولتی، ۳۴/۲٪ بوده است (این شاخص درکارشناسی ارشد ۲۸/۸٪ و در دکتری تخصصی ۲۵/۱٪ بود).

✓ درسال ۱۳۸۰ فراوانی دانشجویان زنان نسبت به کل دانشجویان درتحصیلات تکمیلی در مجموع آموزش عالی دولتی و غیردولتی ۳۴/۹٪ بوده است (این شاخص درکارشناسی ارشد ۲۹٪ و در دکتری تخصصی ۲۴/۲٪ بود).

✓ نرخ نام نویسی ناخالص زنان درآموزش عالی درمقایسه با کل نرخ نامنویسی ناخالص در آموزش عالی برمبنای گزارش ۲۰۰۱ یونسکو قابل مقایسه برای ایران و کشورهای دیگرجهان است بدین قرار:

۲- رای پرهیزازتکرارارجاع، مأخذهای اطلاعات اشاره شده درادامه‌ی این فصل همگی عبارت‌استاز: «فراستخواه، ۱۳۸۲»

بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران

نرخ نامنویسی	کانادا	ایالات متحده	فنلاند	نروژ	فرانسه	روسیه	اکراین	بلغارستان	اسرائیل	کشور نمونه متوسط ۳۱	ایران
زن و مرد	%۸۸	%۸۱	%۷۴	%۵۰	%۵۱	%۴۳	%۴۱	%۴۱	%۴۱	%۴۵/۵	%۱۸
زن	%۹۷/۸	%۹۱/۸	%۷۵/۷	%۶۶	%۵۷/۲	%۴۸/۵	%۴۶/۴	%۴۹/۹	%۴۱/۶	%۴۶/۹	%۱۲/۸

۶-۱. دسترسی اتباع سایر کشورها به آموزش عالی

کشور	سهم دانشجویان دارای تابعیت دیگر کشورها
انگلستان	%۱۳/۱ کل دانشجویان تمام وقت %۲۲/۳ دانشجویان تحصیلات تکمیلی %۵۰/۶ دانشجویان تمام وقت تحصیلات تکمیلی
ایالات متحده	%۱۶ در دهه ی ۶۰ %۸ در دهه ۹۰ کمتر از %۱
ایران	

۲. دسترسی با چه منابع، امکانات و زمینه هایی و به چه چیزهایی؟ (دروندادهای سیستم)

۱-۲. نسبت دانشجویان به کادر آموزشی

کانادا	ایالات متحده	هلند	آلمان	سوئد	ژاپن	روسیه	گرجستان	اکراین	بلغارستان	اسرائیل	چین	میانگین ۳۱ کشور نمونه
۱۰	۱۵/۵	۱۱	۷/۹	۸/۱	۹/۷	۱۱/۶	۶/۴	۱۲	۱۰	۵/۴ (دانشگاهها)	۱۴	۱۳/۷
ایران (تعداد دانشجویان ازای یک نفر هیأت علمی تمام وقت)												
کل آموزش عالی کشور												
۴۳/۳												
بخش دولتی												
۲۰/۴ (درنیمه حضوری ۳۸۵ نفر)												
بخش غیردولتی												
۹۲/۴ (دربرخی از غیرانتفاعی ها ۱۳۱ نفر)												
دانشگاه آزاد اسلامی												
۱۰۳/۱ (دربرخی مناطق تا ۱۲۵/۸ نفر)												
دراستانهای بوشهر، لرستان، اردبیل، آذربایجان غربی و مازندران												
بیش از ۴۰ نفر (بدون احتساب دانشگاه آزاد اسلامی)												
دراستانهای چهارمحال بختیاری، ایلام، مرکزی، کردستان												
بیش از ۵۰ نفر (بدون احتساب دانشگاه آزاد اسلامی)												
(درسال ۸۰-۸۱ نسبت به سال ۵۷، تعداد دانشجویان کشور ۹ برابر، ولی تعداد هیأت علمی حداکثر ۴ برابر شده است)												

بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران

۲-۲. سهم هزینه ی جاری آموزشی از GNP (۱) و سهم هزینه آموزش عالی از کل هزینه ی آموزشی (۲)
[درصد بر مبنای گزارش ۲۰۰۱ یونسکو]

متوسط ۳۱ کشور نمونه	ترکیه	اسرائیل	گرجستان	روسیه	استرالیا	انگلستان	سوئد	فرانسه	نروژ	هلند	فنلاند	ایالات متحده	کانادا	عنوان
۴/۸	۳/۲	۶/۶	۴/۳	۳/۹	۵/۳	۴/۷	۷/۱	۵/۵	۷/۳	۵/۱	۷/۲	۴/۷	۶/۵	(۱)
۲۰/۷	۳۴/۷	۱۸/۲	۱۸/۵	-	۲۹/۸	۲۳/۷	۲۵/۵	۱۷	۲۷/۹	۲۹/۹	۳۸/۸	۲۵/۲	-	(۲)
در ایران: ۱. ۲۳/۳٪ ۲. ۱۳/۶٪														

- هزینه ی سرانه ی آموزش عالی در کشور نسبت به قبل از انقلاب که ایران با ۹۳۰ دلار در آسیا پس از ژاپن مقام اول را داشت و تقریباً معادل فرانسه بود (کوی، ۱۳۴۸) کاهش یافته است (فرستخواه، ۱۳۸۲)

۳-۲. تنوع منابع اعتباری

الف. وابستگی مزمین و بیش از اندازه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به بودجه دولتی مبتنی بر دریافتیهای نفتی
ب. درآمدهای اختصاصی در حد ۱۱٪ در مقایسه با ۲۰٪ تا ۶۰٪ در کشورهای موفق (همان)

۴-۲. مشارکت بخش غیر دولتی (خصوصی) در آموزش عالی

در ژاپن ۷۴٪ دانشجویان دانشگاهها و ۹۰٪ دانشجویان کالجها در بخش غیر دولتی تحصیلی می کنند و در کره ۹۲/۵٪ کالجها خصوصی هستند و ۷۵/۷٪ تا ۹۶/۵٪ دانشجویان بر حسب دوره های مختلف در مؤسسات خصوصی اشتغال به تحصیل دارند و مشارکت بخش غیر دولتی در آموزش عالی به یک روند رو به ازدیاد و جهانی تبدیل شده است در ایران هر چند ظاهراً حدود نیمی از پذیرش دانشجو و جمعیت دانشجویی به بخش غیر دولتی تعلق دارد،
✓ دانشگاه آزاد اسلامی بیش از ۹۷٪ بخش غیر دولتی را به خود اختصاص داده است (همان)

۵-۲. تعدد و تنوع سازمانهای آموزش عالی

✓ جمعیت دانشجویی ایالات متحده ۹ برابر ایران ولی تعداد مؤسسات آموزش عالی آن، ۲۲ برابر ایران است.

- ✓ سهم دانشجویان آموزش عالی غیر دانشگاهی نسبت به کل جمعیت دانشجویی ایالات متحده ۷۹٪، ژاپن ۵۰٪، ایران ۱۹٪.
- ۶۲. تنوع برنامه‌ها در گروه‌های عمده رشته تحصیلی
- ✓ ایالات متحده: تعداد برنامه‌ها در گروه علوم اجتماعی و تاریخ: ۲۸۶۷ برنامه
- تعداد برنامه‌ها در دوره‌های کسب و کار: ۲۷۹۷ برنامه
- ✓ تایلند: تعداد برنامه‌های دایر شده در سال ۱۹۹۹: ۳۷۶۸ برنامه
- ✓ انگلستان: سفارشی‌گرایی
- ✓ مالزی: توسعه میان رشته‌ها
- ✓ ایران: تراکم حدود ۵۰ درصدی در علوم انسانی (و در نیمه حضور ۸۴٪ تا ۹۸٪) بدون تنوع لازم
- فقدان تنوع در سایر گروه‌ها به ویژه در علوم پایه، پزشکی و هنر
- فقدان تعامل میان دانشگاه، بنگاه و دولت
- وزن انتخابی پایین در انتخاب رشته‌های علوم پایه در کنکور سراسری
- سهم علوم پایه در جمعیت دانشجویی: دولتی ۱۲/۶٪ غیر دولتی ۸/۶٪ (پذیرش به ترتیب ۱۱/۱٪ و ۹/۵٪)
- ۷۲. تنوع برنامه‌ها به لحاظ اوقات فراگیری (بنگرید به ۳۱)
- ۸۲. کم و کیف آموزش عالی غیر حضوری و نیمه حضوری و فراگیر

فراوانی دانشجویان نیمه حضوری نسبت به کل دانشجویان:

ایران	سریلانکا	الجزایر	هنگ کنگ	اندونزی	ترکیه	روسیه	تایلند	سوئد	چین
۱۲٪	۳۲/۳٪	۱۷/۳٪	۱۶/۶٪	۱۷/۹٪	۲۶/۳٪	۳۰٪	۳۷/۴٪	۲۰٪	۲۴/۴٪

- ✓ یادگیری از راه دور در محیط پیشرو جهانی وارد نسل سوم شده است؛ ولی در ایران هنوز متعلق به نسل اول و حدّ اکثر دوم است و از حیث توسعه نرم‌افزاری با موانعی رو به روست.
- ✓ دوره‌های فراگیر: تنها ۱/۵٪ پذیرش نیمه حضوری و ۲/۴٪ دانشجویان نیمه حضوری
- ✓ انحصار آموزش از راه دور به دانشگاه پیام نور (به جز اقدامات محدود اخیر)
- ✓ عدم مشارکت بخش غیر دولتی (همچون مالزی و...) در یادگیری از راه دور
- ✓ شاخص‌های کیفی بسیار پایین در آموزش نیمه حضور کشور (بنگرید به نشانگرهای ۱۲ و...)

۹۲. دسترسی به آموزش عالی بین المللی

برخلاف روند رو به رشد بین المللی شدن آموزش عالی در جهان و افزایش تحرک و جا به جایی‌ها در سال ۱۳۸۲ سهم دانشجویان ایرانی اعزامی به خارج حدود ۰/۱٪ کل دانشجویان بود.

۱۰۲. فضای کالبدی آموزش عالی

✓ در بخش دولتی سرانه فضای آموزشی: ۱۲٪ تا ۶۰٪ شاخص قابل قبول (بر حسب گروه‌ها)
 ✓ در بخش دولتی سرانه فضای غیر آموزشی و کمک آموزشی: ۷٪ تا ۶۷٪ شاخص قابل قبول (بر حسب گروه‌ها)

✓ در بخش غیر دولتی، مجموعه سرانه ۳۸٪ شاخص قابل قبول

✓ در برخی مناطق دانشگاه آزاد اسلامی و برخی مؤسسات آموزش عالی غیر انتفاعی تا حد

$\frac{1}{15}$ شاخص قابل قبول

۱۱۲. فراوانی دوره‌های علمی کاربردی و پودمانی

ایران	سهم علمی کاربردی در کل جمعیت دانشجویی: ۱۶٪ سهم کردانی در پذیرش: ۳۰٪ در دانشجویان: ۲۰٪ (لیسانس‌گرایی مفرط) کم اهمیت شدن کارشناسی ناپیوسته
ایالات متحده آلمان انگلستان روسیه مالزی ... و	سهم دوره‌های کردانی: ۵۰٪ تا ۷۰٪ روند پودمانی شدن روند سفارشی‌گرایی در آموزش عالی با تأکید بر دوره‌های کوچک مهارتی

۱۲۲. فراوانی دوره‌های تحصیلات تکمیلی

ایران	دانشگاه آزاد اسلامی ۴/۶٪ بقیه آموزش عالی کشور ۸٪ تا ۱۰٪ کارشناسی ارشد: ۵/۳٪ پذیرش (زنان ۲/۹٪) / ۴/۶٪ دانشجویان (زنان ۲/۳٪) دکتری تخصصی: ۱/۲٪ پذیرش (زنان ۰/۶٪) / ۱/۵٪ دانشجویان (زنان ۰/۷٪)
ایالات متحده انگلستان تایلند ... و	بیش از ۳۰٪

۳. دسترسی به چه صورت؟ (فرایندهای سیستم)

۳.۱. نسبت مربی به مراتب بالاتر در هرم هیأت علمی

- ✓ در کل آموزش عالی کشور ۵۶ به ۴۴
- ✓ در بخش غیر دولتی ۸۲ به ۱۸
- ✓ در آموزش عالی نیمه حضوری ۸۱/۶ به ۱۸/۴

۳.۲. سهم زنان در هیأت علمی

- ✓ سهم زنان در کل هیأت علمی ۱۸/۲٪
- ✓ سهم زنان در مرتبان ۲۳٪ استادیاران ۱۶/۲٪ دانشیاران ۸/۲٪ استادان ۵/۴٪

۳.۳. نسبت دانشجو به استاد یا دانشیار

- ✓ در کل آموزش عالی کشور ۵۵۸/۶ نفر دانشجو به یک استاد یا دانشیار
- ✓ در بخش دولتی و غیر انتفاعی ها ۲۹۱ نفر دانشجو به یک استاد یا دانشیار
- ✓ در دانشگاه آزاد اسلامی ۳۶۸۳/۳ نفر دانشجو به یک استاد یا دانشیار

۳.۲. فراوانی مدعوین حق التدریس

- ✓ در مجموع بخش دولتی و غیر دولتی از هر ۳ نفر کادر یک نفر
- ✓ در دانشگاه آزاد اسلامی از هر ۲ نفر کادر یک نفر
- (محدودیت‌های هیأت علمی در قدرت خرید، منزلت اجتماعی و آزادی علمی)

۳.۵. کیفیت نظام سنجش

- ✓ فقدان نقش دانشگاه‌ها در سنجش آموزش کشور و تعیین ملاک‌ها و معیارها برای آن
- برخلاف استانداردهای جهانی
- ✓ بی‌توجهی به خلاقیت، نوآوری، مهارت و استعداد‌های خاص در مقایسه با محفوظات در کنکور فعلی
- ✓ بی‌توجهی به سوابق تحصیلات مبه وسیله و فرایند یادگیری در آن (اهمیت یافتن مهارت‌های تست‌زنی)
- ✓ بی‌اهمیت تلقی شدن نظام پیش‌دانشگاهی
- ✓ ضعف اطلاع‌رسانی به داوطلبان و خانواده‌ها (یکی از عوامل افت تحصیلی پس از ورود به دانشگاه)
- ✓ فقدان نظام یکپارچه ملی در سنجش (کنکور جداگانه دانشگاه آزاد اسلامی)

- ✓ بی‌توجهی به آزمون سنجش استعداد و تمرکز عمده به آزمون پیشرفت تحصیلی (وضع‌های آن از حیث روایی و پایایی)
- ۶.۳. کیفیت نظام پذیرش
 - ✓ فقدان استقلال دانشگاه‌ها در برنامه‌ریزی آموزش عالی از جمله پذیرش دانشجو بر حسب مقتضیات ویژه
 - ✓ فقدان تنوع لازم در شیوه‌های پذیرش
 - ✓ مقررات محدودکننده در پذیرش دانشجو (در تحصیل همزمان، تغییر رشته و...)
- ۷.۳. کیفیت دسترسی استعدادهای درخشان
 - ✓ بنابر یک تحقیق (فراستخواه مقصود، ۱۳۷۸) ۷۰٪ تا ۹۰٪ از دانشجویان نخبه درباره موارد زیر ناراضی یا نه چندان راضی بوده‌اند:
 - آیین‌نامه‌ها و قوانین
 - معیارها
 - عملکرد دانشگاهی
 - وضعیت هیأت علمی
 - روش‌های تدریس
 - منابع و ملزومات تحصیلی

۴. دسترسی با چه نتایجی (برونداها و پیامدهای سیستم)

۱.۴. میزان بیکاری دانش‌آموختگان و نیروی کار متخصص

برآوردهای رسمی برای سال ۱۳۸۳: ۱۶/۷٪ تا ۲۰/۸٪

۶. نتیجه‌گیری (آینده‌اندیشی درباره ارتقای کمی و کیفی دسترسی به‌آدگیری در

سطح عالی)

آزمون فاصله میان وضع موجود دسترسی به آموزش عالی در کشور در ابعاد کمی و کیفی با مبانی نظری و معیارها (استانداردهای) جهانی، حاکی از ضرورت ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در جامعه ماست. آینده‌اندیشی در این خصوص عناوینی به قرار زیر را شامل می‌شود.

۱۶. چشم‌انداز

برای سال آخر برنامه چهارم، دستیابی به ۳۰٪ نرخ نام‌نویسی ناخالص در آموزش عالی، به عنوان هدف تعیین شده است (هر سال ۳٪ افزایش). با توجه به این که فشار جمعیتی ۱۵ تا ۲۹ ساله عمدتاً در طول همین برنامه چهارم خود را نشان می‌دهد، اصل تداوم در برنامه‌ریزی، ایجاب می‌کند در برنامه پنجم نیز که فشار جمعیتی یادشده رو به کاهش خواهد گذاشت، فعالیت‌ها همچنان ادامه پیدا بکند. در این صورت چنانچه هر سال به طور مبه وسیله ۳٪ دیگر به شاخص (طبق روال برنامه چهارم) افزوده شود، میزان نام‌نویسی آموزش عالی ایران در سال ۱۳۹۳ (دهه دوم قرن ۲۱) به ۴۵٪؛ یعنی، مرز مبه وسیله شاخص (در دهه آخر قرن ۲۰) مربوط به ۳۱ کشور مطالعه شده مطابق تحقیق کنونی خواهد رسید و چنانچه با توجه به کاهش فشار جمعیتی، هر سال به طور مبه وسیله ۵٪ افزایش یابد به ۵۵٪؛ یعنی، میانگین شاخص در کشورهای توسعه‌یافته در دهه آخر قرن ۲۰ خواهد رسید:

□ میزان نام‌نویسی ناخالص در آموزش عالی

برنامه چهارم: سال ۱۳۸۸ (۳۰٪)

برنامه پنجم؛ سال ۱۳۹۳ (دهه دوم قرن ۲۱):

✓ سناریوی نیل به مرز مبه وسیله شاخص دهه آخر قرن ۲۰ در نمونه مطالعه شده (۴۵٪)

✓ سناریوی رسیدن به میانگین شاخص دهه آخر قرن ۲۰ در کشورهای توسعه‌یافته (۵۵٪)

این هدف بلند پدازانه کمی، چند معنای مهم دارد:

الف. مستلزم چالش‌ها و ریاضت سختی برای تأمین منابع و ظرفیت‌سازی جدید است.

ب. مستلزم هدف‌گزینی‌ها و فعالیت‌های بلند کیفی است تا رشد کمی به نتایج معکوس

منجر نشود.

۲۶. جهت‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های توسعه ظرفیت

۱۲۶. تفکیک پذیرش دانشگاهی از کنکور سراسری (سنجش آموزش کشور) و استقلال

دانشگاه‌ها در پذیرش دانشجو. (دانشگاه‌ها از نتایج کنکور، صرفاً به عنوان اطلاعات سنجش

استعداد، استفاده کنند)

۲۶. تنوع بخشیدن به پذیرش دانشگاهی

الف. علاوه بر دانشگاه پیام نور، همه دانشگاه‌ها نیز بتوانند به صورت غیر حضوری و نیمه

حضوری دانشجو بپذیرند.

- ب. دانشگاه‌ها با تشکیل اتحادیه‌هایی در سطح منطقه‌ای و ملی، محیط‌های الکترونیکی و شبکه‌ای خود را برای پذیرش غیر سنتی دانشجو توسعه بدهند.
- ج. دوره‌های فراگیر ضمن استانداردسازی، توسعه داده شوند. داوطلبان با شرایط قابل انعطاف‌تری وارد دانشگاه بشوند. دوره‌های دانشگاهی به روی داوطلبان گشوده شود؛ ولی فرایند و استانداردهای ارزشیابی در درون دانشگاه، جدی گرفته شود.
- د. با استفاده بهینه و مؤثر از فضاها و تجهیزات دانشگاهی و خارج از اوقات عادی اداری، عصرها، شب‌ها و ایام تعطیلات، دوره‌های نوبت دوم و شبانه در دانشگاه‌ها توسعه پیدا بکند.
- ه - یادگیری به صورت پاره‌وقت در دانشگاه‌ها توسعه داده شود. داوطلبان بر حسب شرایط خود بتوانند دوره‌های تحصیلی را در مدتی بسیار طولانی و تدریجاً تحصیل بکنند.
- و. برای برنامه‌های تک‌درس و کوتاه‌مدت به ویژه در دوره‌های مهارتی عمومی، پایه تخصصی (در سطوح مختلف) دانشجو پذیرفته شود (بنگرید به د و ه -).
- ز. دوره‌های آزاد منتهی به گواهینامه خاص (به جای مدرک معمول دانشگاهی) در دانشگاه‌ها متناسب با نیازهای جامعه و جهان کار توسعه داده شود و مورد حمایت مؤثر قرار بگیرد.
- ح. دوره‌های سفارشی بسیار اختصاصی و حتی منحصر به فرد برای متقاضیان و مشتریانی در قالب اشخاص حقیقی و حقوقی (خانوارها، بنگاه‌ها و...) به صورت عقد قرارداد دوجانبه در دانشگاه‌ها توسعه داده شود.
- ط. کنسرسیوم‌های دانشگاهی ایجاد شود تا داوطلبان بتوانند بخش‌های مختلف یک دوره تحصیلی را در دانشگاه‌های مختلف کشور تحصیل بکنند.
- ی. پروژه‌های مشترک دانشگاه‌های کشور با دانشگاه‌های معتبر، امکان این را فراهم کند که داوطلبانی بتوانند بخشی از یک دوره تحصیلی را در داخل و ادامه آن را در خارج تحصیل بکنند.
- ک. کارکنان بنگاه‌ها از طریق قراردادهای بنگاه و دانشگاه، یادگیری ضمن خدمت در سطح عالی داشته باشند.
- ل. از توسعه، انعطاف‌پذیری و تناسب دوره‌های علمی کاربردی، پودمانی و آموزش عالی معطوف به مهارت‌های پایه و مورد تقاضای بازار کار، حمایت بشود

۳۲۶. تنوع بخشیدن به منابع مالی و اعتباری آموزش عالی

الف. بخش غیر دولتی آموزش عالی از انحصار الگوی غیر انتفاعی رهایی پیدا کند و آموزش عالی غیر دولتی خصوصی و انتفاعی قانوناً به رسمیت شناخته بشود و مورد حمایت قرار بگیرد.

ب. با آزادسازی و ایجاد امنیت و اعتماد، مقررات زدایی و رفع موانع دیوانسالاری، سازه‌سازی فرایندها، اصلاح قوانین و مقررات، از بخش غیر دولتی مستقل حمایت نهادینه و مؤثری صورت بگیرد (تسهیلات بانکی و غیر آن، معافیت‌ها، یارانه‌ها و اعتبارات). بدین ترتیب انحصار دو بخش دولتی و شبه‌دولتی (دانشگاه آزاد اسلامی) شکسته می‌شود.

ج. تفسیر واقع‌بینانه اصلاحاتی در قوانین کشور (قانون اساسی و سایر قوانین) به همراه توجیهات موجه فرهنگی لازم است تا افراد و خانوارها نیز با توجه به منافع خصوصی آموزش عالی، حاضر بشوند در قبال تقاضای آموزش عالی در تأمین بخشی از هزینه‌های آن به صورت پرداخت شهریه مشارکت کنند. در این راستا لازم است با روش‌هایی همچون صندوق‌های رفاه، کار دانشجویی و مشارکت آن‌ها در خدمات دانشگاه، حمایت‌های لازم نیز به عمل بیاید.

د. حمایت از دانشگاه‌ها در جهت کارآفرینی و استفاده از روش‌های متناسب درآمدزایی همچون تشکیل شرکت‌های مشتقه با مشارکت هیأت علمی با هدف ارائه خدمات تخصصی و نیز تجاری‌سازی علم و فناوری.

۴۲۶. توسعه زیرساخت‌های لازم برای تنوع و انعطاف فرایند یاددهی یادگیری (مانند از راه دور، لکترونیکی و ...)

الف. توسعه زیرساخت‌های مخابراتی کشور با بسترسازی و حمایت مؤثر از فعالیت بخش خصوصی مولد.

ب. فراهم آوردن امکان و حمایت‌های لازم برای اتصال همه دانشگاه‌ها به شبکه علمی کشور و تجهیز سخت‌افزاری به منظور افزایش سرانه پهنای ماند.

ج. زمینه‌سازی و حمایت مؤثر برای ایجاد اتحادیه‌های دانشگاهی در سطح منطقه‌ای و ملی

د. زمینه‌سازی و حمایت مؤثر از همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها و پروژه‌های مشترک، با دانشگاه‌ها و مراکز معتبر خارجی برای استفاده ایرانیان از ظرفیت‌های دسترسی به آموزش عالی.

ه. توسعه محیط حقوقی مانند خط‌مشی‌ها و قوانین کاربری اینترنت، حق مالکیت و امنیت اطلاعاتی و ...

و. حمایت از توسعه محیط‌های یادگیری مجازی با ایجاد برنامه‌های درسی، کتاب‌خانه‌ها و منابع اطلاعاتی الکترونیکی، چندرسان‌های و شبکه‌ای.

۳۶. جهت‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های توسعه کیفیت

برای کاهش فاصله دهشتناک با وضع مطلوب کیفیت دسترسی به آموزش عالی که به مواردی از آن در فصل ۵ (بندهای ۱۲، ۱۰، ۱۳، ۳، ۴، ۳، ۵، ۳، ۶، ۳، ۴، ۱۷) اشاره شد، خط‌مشی‌هایی از جمله بدین قرار ضرورت دارد:

۱۳۶. توسعه کیفیت نظام سنجش آموزش کشور

الف. حمایت از توسعه نهادینه تعامل و همگرایی میان نظام آموزش متوسطه و مدرسه با نظام آموزش عالی و دانشگاه به منظور ارتقای کم و کیف دسترسی به‌ادگیری از مدرسه تا دانشگاه.
ب. استانداردسازی امتحان نهایی نظام متوسطه و پیش‌دانشگاهی (به عنوان سنجش پیشرفت تحصیلی) با رویکرد علمی و برخوردار از روایی و اعتبار و قابل مقایسه در سطح ملی از طریق مشارکت انجمن‌های علمی و تخصصی در آموزش و پرورش و آموزش عالی.
ج. سنجش آموزش کشور (به عنوان سنجش استعداد تحصیلی) باید بتواند استعداد تفکر، عمق‌نگری، حل مسئله و خلاقیت، فعالیت آزمایشگاهی و مهارتی را نیز مورد سنجش قرار بدهد.
د. یکپارچه‌سازی نظام سنجش کشور و رفع تعدد موجود در کنکور سراسری و کنکور دانشگاه آزاد اسلامی (در عوض، سنجش آموزش کشور می‌تواند به جای سالی یک بار، سالی دو یا حتی چند بار برگزار شود).

ه. نقش و مشارکت دانشگاهیان در محتوا و چگونگی سنجش آموزش کشور.

و. مشارکت انجمن‌های علمی و تخصصی در ارتقای نظام سنجش آموزش کشور.

۲۳۶. توسعه کیفیت نظام پذیرش دانشگاهی

الف. توسعه قوانین و زمینه‌های لازم برای اطلاع خانواده‌ها و داوطلبان آموزش عالی از شرایط و محتویات دوره‌ها و رشته‌های دانشگاهی به منظور انتخاب آگاهانه آن‌ها (به ویژه با استفاده از سایت‌ها و شبکه اطلاع‌رسانی شفاف و برخط).

ب. اصلاح مقررات آموزش عالی و ایجاد تسهیلات لازم برای تحصیل همزمان در دو رشته، تغییر رشته و...

ج. توسعه معیارهای پذیرش دانشگاهی به گونه‌ای که در آن علاوه بر نتایج کنکور به پرونده تحصیلی متوسطه (یادوره‌های قبلی آموزشی)؛ علاوه بر ابعاد شناختی به ابعاد مهارتی،

علاوه بر هوش به خلاقیت، علاوه بر پیشرفت تحصیلی به فعالیت‌های اجتماعی فوق‌برنامه نیز توجه بشود.

د. پذیرش دانشگاهی به صورت فرایندی چند مرحله‌ای و دارای انعطاف لازم باشد تا داوطلبان طی مراحل مانند گذراندن دروس عمومی، پایه و مشترک در یک حوزه بزرگ‌تر از گروه عمده تحصیلی، پس از آشنایی کافی و آزمودن تجربیات یادگیری و استعداد‌های خود با فرصت و مهلت بیشتری به انتخاب نهایی رشته و گرایش مورد علاقه خود دست بزنند.

۳ ۳ ۶. حمایت از توسعه منابع انسانی و کیفیت هیأت علمی در دانشگاه‌ها

الف. افزایش سهم هزینه جاری آموزشی از GNP و سهم هزینه آموزش عالی از کل هزینه آموزشی.

ب. حمایت از توسعه هرچه نهادینه‌تر استقلال دانشگاه‌ها در برنامه‌ریزی و از جمله عضوگیری هیأت علمی.

ج. تقویت و توسعه اختیارات هیأت‌های امنای برای افزایش درآمد دانشگاهی و رفاه و منزلت اجتماعی هیأت علمی.

د. حمایت از نهادینه شدن آزادی علمی در دانشگاه‌ها بر بستری از امنیت و منزلت کنشگران تفکر و علم در کل جامعه.

ه. حمایت‌ها و تسهیلات قانونی لازم برای استفاده دانشگاه‌ها از استادان خارجی.

و. حمایت‌ها و تسهیلات لازم برای رفت و آمد آزاد متخصصان ایرانی خارج از کشور به منظور تدریس و پژوهش و مشاوره.

ز. اختصاص بخش مهمی از اعتبارات و به ویژه درآمدهای دانشگاهی به دانش‌افزایی هیأت علمی و کارشناسان، متناسب با تحولات علم و فناوری به ویژه در زمینه مهارت‌های نوین فناوری اطلاعات، الگوهای پیشرفته و تعاملی یاددهی یادگیری (و اصلاح آیین‌نامه‌های ترفیع در این خصوص).

ح. حمایت مؤثر از زمینه‌های قانونی و نهادین مشارکت هیأت علمی در مدیریت دانشگاه مانند انتخاب رؤسا و مدیران و سایر ابعاد تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی.

ط. حمایت از انجمن‌های علمی و تخصصی هیأت علمی در سطح بالا (مثل انجمن‌های ملی استادان و دانشگاهیان برای زمینه‌سازی استقرار درونی استانداردها و ایجاد رقابت و کیفیت).

۴ ۳ ۶. حمایت از توسعه فرایندهای اطمینان از کیفیت و اعتبارسنجی در دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی و آموزش عالی کشور

- الف. تبدیل نظارت ناکارآمد دولتی بر دانشگاه‌ها به حمایت از پاگیری و توسعه ارزشیابی درونی در دانشگاه‌ها با مشارکت دانشجویان، هیأت علمی، هیأت امناء و سایر ذی نفعان
- ب. ایجاد تسهیلات لازم و حمایت از شکل‌گیری و توسعه هیأت‌های تخصصی ارزشیابی بیرونی در سطح ملی با مشارکت انجمن‌های متخصصان و استادان دانشگاهی و نیز نمایندگان بنگاه‌های ذی ربط و متقاضیان نیروی انسانی متخصص و سایر ذی نفعان برای تعریف و توسعه استانداردها و اعتبارسنجی دانشگاه‌ها بر مبنای آن.
- ج. حمایت از تشکیل و توسعه انجمن‌های تخصصی و درگیر شدن آن‌ها در ارزشیابی برنامه‌های درسی دانشگاهی و تهیه استانداردهای آن در هریک از رشته‌ها و گرایش‌ها برای تناسب آن‌ها با نیازهای جامعه و تحولات علم و فناوری و روزآمدسازی آن‌ها.
- د. تبدیل رتبه‌بندی‌های دیوان‌سالاری دولتی به رتبه‌بندی دانشگاه‌ها از طریق نظام صحیح اعتبارسنجی که در بندهای قبلی به آن اشاره شد.
۵. ۳۶. حمایت از رقابتی شدن آموزش عالی
- الف. حمایت از تحقق کامل استقلال دانشگاهی (ر. ک به بندهای ۱۲۶)
- ب. حمایت از فرایند آزادسازی و توسعه کمی و کیفی مشارکت مردم و بخش غیر دولتی مستقل و کارآفرین در آموزش عالی (ر. ک به بند ۳۲۶)
- ج. حمایت از پروژه‌های مشترک دانشگاه‌های کشور با دانشگاه‌های معتبر خارجی.
- د. زمینه‌سازی و حمایت از ایجاد شعبات دانشگاه‌های معتبر خارجی در کشور
۶. ۳۶. حمایت از ایجاد دفتر دانشگاه پژوهی (IR)
- این دفتر در حوزه ریاست یا معاونت آموزشی دانشجویی برای تولید و توسعه و پشتیبانی نظام اطلاعات و پیمایش‌های لازم برای نگرش‌سنجی دانشجویان، بررسی افت تحصیلی، نظرسنجی از دانش‌آموختگان و مانند آن به وجود می‌آید.
۷. ۳۶. نهادینه کردن و توسعه تعامل سه جانبه دانشگاه، بنگاه و دولت.
۸. ۳۶. حمایت از توسعه برنامه‌های درسی پایه و مشترک مربوط به سواد اطلاعاتی و مهارت‌های کاربری شبکه و فناوری اطلاعات برای دانش‌آموزان و دانشجویان.
۹. ۳۶. حمایت از تولید نظام ملی تولید اطلاعات آموزش عالی در کشور با ایجاد پایگاه‌های داده‌ای کارآمد و روزآمد.
۱۰. ۳۶. حمایت از توسعه نظام ارزشیابی مداوم در آموزش عالی با مشارکت انجمن‌های صنفی دانشجویان و هیأت علمی و دانش‌آموختگان:
- الف. ارزشیابی دانشجویان از عملکرد مدیریت دانشگاه و هیأت علمی.

- ب. ارزشیابی دانش‌آموختگان از عملکرد دانشگاه.
ج. ارزشیابی هیأت علمی از عملکرد مدیریت دانشگاهی.
د. سنجش اثربخشی آموزش‌های دانشگاهی با تعامل سه‌جانبه دولت، دانشگاه و بنگاه و از طریق مشارکت نهادهای نمایندگی آن‌ها.

منابع

- ۱ انجل ویلیام دیوید (۱۹۹۵) قانون بین‌المللی حقوق جوانان، همراه با اسناد و گزارش‌های مرجع، ترجمه علی‌اکبر تاج‌مزینانی و همکاران، تهران: سازمان ملی جوانان.
۲ جانسون، گلن (۱۳۷۸) اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه محمدجعفر پوینده، پیش‌گفتار از فدریکو مایور، تهران: نشر نی.
۳ جیمزای. (۱۳۸۱) در تقسیم مسؤلیت آموزش و پرورش بین بخش خصوصی و عمومی در دانش‌نامه اقتصاد آموزش و پرورش (جلد اول)، ترجمه عبدالحسین نفیسی، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۴ راجرز، دانیل سی، راجلین هرش اس (۱۳۷۰)، اقتصاد آموزش و پرورش، ابوالقاسم حسینیون، مشهد: آستان قدس رضوی.
۵ عملکرد حوزه‌های کلان (۱۳۸۲)، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۶ طایبی، حسن (۱۳۸۰) برآورد و تحلیل تقاضای نیروی انسانی متخصص در ۸۸ ۱۳۷۷، طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۷ طایبی، حسن وحیدی پریدخت، غفرانی محمدباقر (۱۳۸۱)، گزارش نهایی طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۸ عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۱)، علائم راهنما در بازار کار، رساله دوره دکتری آموزش عالی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۹ فراستخواه، مقصود (۱۳۷۸) بررسی نحوه شناسایی و پرورش استعدادها درخشان، تهران: گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۱۰ فراستخواه، مقصود (۱۳۸۲) بررسی افزایش دسترسی به آموزش عالی، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۱۱ فرید من، میلتن ورز (۱۳۶۸) آزادی انتخاب، حسین حکیم‌زاده چهارمی، تهران: پارسا.
۱۲ قارون، معصومه (۱۳۸۰)، بررسی راه‌های تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها، تهران: گروه اقتصاد آموزش عالی و بررسی‌های نیروی انسانی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۱۳ کوی، لوتان (۱۳۴۸)، سیاست علمی و مسائل آموزش عالی ایران، ترجمه محمود فرمان، تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی ایران.
۱۴ آمار آموزش عالی ایران (۱۳۸۱)، گروه پژوهش‌های آماری و انفورماتیک، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۱۵ مک، ماهون و. و. (۱۳۸۰) منافع مصرفی آموزش و پرورش، ترجمه عبدالحسین نفیسی در دانش‌نامه اقتصاد آموزش و پرورش (جلد اول)، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

۱۶ هیکس، ان.ال. (۱۳۸۰) آموزش و درآمد. ترجمه پریدخت وحیدی و عبدالحسین نفیسی، دانش‌نامه اقتصاد آموزش و پرورش (جلد اول)، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

منابع لاتین

- 1- Ackly, E. (1998) Reverse Discrimination. Proceedings of the Philosophy of the Philosophy of Education and Society, Proceedings. New York.
- 2- Blaug, M (1985) Where are we now in the economics of education, Economics of Education Review Vol. 4, no, 1 Great Britain.
- 3- Brown, Ken (2002) The Right to Learning, Alternatives for a Learning Society, Routledge Falmer, New York.
- 4- Creedy John (1994) Financing Higher Education: Public choice and social Welfare, Institute of fiscal studies.
- 5- Hayton, Annette & Paczuska, Anna (2002) Access, Participation & Higher Education, Policy.
- 6- Laroche, M. merette, m. & Ruggeri G.C. (1999) On the Concept and Dimensions of Human Capital, in Knowledge Based Economy Context, Candidan Public Policy, University of Brunswick.
- 7- Mei, TanAi (2002) Malaysian Private Higher Education. Globalisation, Privatisation, Transformation and Marketplaces.
- 8- OECD (1996) Measuring what people know: Human Capital Accounting for the Knowledge and Practice. Kogan page Limited, London.
- 9- Schuetze, Han, G. and Slowey Maria (2000) H. E. and Life long learners. International Perspectives on change, London & New York Routledge/Falmer.
- 10- Scott P (1995) The Meanings of Mass Higher Education, SRHe /open university press, Buckingham.
- 11- UNESCO (2001) Human development report. Oxford